

پیمان دفاعی مکه نشانه‌ای از تشدید تنش‌ها و هرج و مرج امپریالیستی



صدای انترناسیونالیستی

در ۱۶ مرداد ۱۴۰۵، توافق دفاعی میان ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان در مکه به امضا رسید که بر اساس آن، حمله به هر یک از این سه کشور، حمله به هر سه تلقی خواهد شد. اهمیت این توافق را نه باید در مفاد آن، بلکه در جایگاهش در روند تشدید و بازآرایی مناسبات امپریالیستی جستجو کرد. این توافق یکی از نشانه‌های تغییر توازن نیروها و تشدید تنش‌های امپریالیستی در غرب آسیا است.

ترکیه عضو ناتو است؛ پیمانی که مهم‌ترین و قدرتمندترین ائتلاف نظامی امپریالیستی جهان محسوب می‌شود و سلاح‌های هسته‌ای آمریکا نیز در خاک ترکیه مستقر هستند. ماده ۵ پیمان ناتو اصل دفاع جمعی را بر این مبنا قرار می‌دهد که حمله مسلحانه به یک عضو، حمله به همه اعضا تلقی می‌شود. اعضای ناتو در اجلاس آنکارا در ژوئیه ۲۰۲۶ نیز بار دیگر بر این اصل تأکید کردند. بنابراین، مسئله این نیست که ترکیه فاقد تضمین دفاعی است؛ مسئله این است که چرا دولت ترکیه، در کنار عضویت در ناتو، به دنبال ایجاد یا تقویت ترتیبات نظامی دیگری در غرب آسیا است.

پاکستان نیز یک قدرت هسته‌ای است. چین نیز به دلیل منافع امپریالیستی و ژئوپلیتیکی خود، نقش مهمی در تقویت توان نظامی و اقتصادی پاکستان دارد. عربستان سعودی نیز دهه‌ها است که از سوی قدرت‌های امپریالیستی، در رأس آنها آمریکا، به شدت مسلح شده و همچنان با قدرت‌های مختلف امپریالیستی قراردادهای نظامی دارد. بنابراین، این پرسش مطرح است که پیمان جدید تا چه اندازه می‌تواند امنیت کشورهای عضو و به ویژه عربستان سعودی را افزایش دهد؟

پیمان جدید مانع از ادامه عملیات نظامی حوثی‌ها علیه منافع عربستان سعودی نشده است. حوثی‌ها همچنان فرودگاه‌های ابها و نجران را موشک‌باران می‌کنند و با ایجاد محدودیت در مسیرهای دریایی، رفت‌وآمد کشتی‌های سعودی در دریای سرخ را مختل می‌کنند؛ به گونه‌ای که کشتی‌ها ناچار می‌شوند مسیر خود را تغییر دهند و آفریقا را دور بزنند. حوثی‌ها همچنین حملات گسترده‌ای به بندر المخا انجام داده‌اند؛ بندری که از بنادر راهبردی یمن و منطقه دریای سرخ است و تحت کنترل نیروهای مورد حمایت عربستان قرار دارد. این بندر از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است.

پیمان جدید همچنین نتوانسته است مانع کشته شدن اتباع پاکستان شود. در یکی از عملیات‌های اخیر حوثی‌ها علیه کشتی‌های عربستان سعودی، پس از امضای پیمان دفاعی مکه، چند تن از خدمه کشتی کشته و زخمی شدند که دو تن از کشته شدگان تبعه پاکستان بودند.

این تناقض‌ها را نمی‌توان صرفاً از زاویه دفاعی فهمید. این توافق بخشی از روند گسترده‌تری است که در آن دولت‌های منطقه می‌کوشند جاه‌طلبی‌های امپریالیستی خود را در شرایطی دنبال کنند که سرمایه‌داری به سوی جنگ‌های تعمیم‌یافته و در نتیجه هرج و مرج بیشتر حرکت می‌کند.

برای فهم این روند، امپریالیسم را نباید فقط به سیاست خارجی آمریکا، بریتانیا، چین یا چند قدرت بزرگ محدود کرد. امپریالیسم یک سیاست خارجی مشخص نیست، بلکه مرحله‌ای از تکامل سرمایه‌داری است که در آن همه دولت‌های سرمایه‌داری، متناسب با قدرت و موقعیت خود، در مناسبات امپریالیستی قرار دارند.

در سرمایه‌داری، رقابت بر سر بازارها، منابع، انرژی، مسیرهای تجاری، مناطق نفوذ و شرایط انباشت سرمایه، به رقابت سیاسی و در نهایت نظامی میان دولت‌ها تبدیل می‌شود. هر دولت برای حفظ یا گسترش موقعیت خود ناچار است با دولت‌های دیگر رقابت کند. همین رقابت، با تغییر توازن نیروها و تشدید بحران سرمایه‌داری، می‌تواند به شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید، گسترش همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی و بازتعریف ترتیبات امنیتی موجود منجر شود.

از این رو، آنچه در مکه اتفاق افتاده را نمی‌توان صرفاً یک توافق میان سه دولت دانست. این توافق باید در چارچوب تشدید رقابت‌های امپریالیستی و تغییر توازن نیروها در منطقه و جهان فهمیده شود. شکل‌گیری پیمان‌های جدید و تضعیف یا بازتعریف ترتیبات پیشین، بخشی از همین روند است؛ روندی که به جای کاهش تضادها، آنها را تشدید می‌کند و زمینه را برای گسترش هرج و مرج سرمایه‌داری و تنش‌های نظامی بیشتر فراهم می‌سازد.

سرمایه‌داری در دوره انحطاط تاریخی خود به سمت کاهش رقابت میان دولت‌ها حرکت نمی‌کند؛ برعکس، بحران‌های سرمایه‌داری و تضادهای انباشت سرمایه، رقابت میان دولت‌ها را تشدید می‌کنند. هر دولت سرمایه‌داری برای حفظ موقعیت سرمایه‌های خود در بازار جهانی، تأمین منابع و بازارهای مورد نیاز، کنترل مسیرهای تجاری و انرژی و حفظ توان اقتصادی و نظامی خود، ناچار است با دولت‌های دیگر رقابت کند.

از این رو، گسترش جاه‌طلبی‌های امپریالیستی یک دولت، ناگزیر با منافع دولت‌های دیگر در تضاد قرار می‌گیرد. این تضادها به تشدید تنش‌های سیاسی، نظامی، جنگ‌های نیابتی و در نهایت درگیری‌های مستقیم منجر می‌شوند. به این ترتیب، رقابت میان دولت‌های

سرمایه‌داری در شرایط کنونی سرمایه‌داری جهانی به یکی از عوامل اصلی گسترش هرج و مرج در جهان تبدیل می‌شود.

رقابت میان دولت‌های سرمایه‌داری، صرف نظر از پرچم و ایدئولوژی آنها، هزینه خود را بر دوش طبقه کارگر می‌گذارد و هرج و مرج سرمایه‌داری را گسترش می‌دهد. وظیفه کمونیست‌ها دفاع از هیچ یک از اردوگاه‌های امپریالیستی نیست، وظیفه آنها افشای منطق مشترک همه این اردوگاه‌ها و دفاع از استقلال طبقاتی و انترناسیونالیسم پرولتری است.

خطر اصلی در دوره تشدید تنش‌های امپریالیستی فقط وقوع جنگ نیست. یکی از مهم‌ترین خطرهای، بسیج پرولتاریا پشت پرچم بورژوازی «خودی» است. بورژوازی در زمان بحران، کارگر را نه به عنوان کارگر، بلکه به عنوان «عرب»، «ترک»، «پاکستانی»، «اسرائیلی»، «آمریکایی»، «مسلمان»، «یهودی»، «مسیحی» یا «میهن‌پرست» خطاب می‌کند و هویت ملی، قومی، مذهبی و میهنی او را برجسته می‌سازد. از کارگر می‌خواهد خود را نه به عنوان عضوی از یک طبقه جهانی، بلکه به عنوان بخشی از ملت، قوم یا مذهب خود ببیند و در برابر «دشمن خارجی» قرار گیرد. از او می‌خواهد برای «امنیت ملی»، «دفاع از وطن»، «دفاع از دین» یا «مقابله با دشمن خارجی» فداکاری کند. به این ترتیب، همان طبقه‌ای که تحت استثمار قرار دارد، به مدافع دولت، سرمایه و مناسبات اجتماعی‌ای تبدیل می‌شود که بر استثمار او استوار است.

مرز اصلی نه میان ملت‌ها، بلکه میان طبقات است. کارگری که در کارخانه، معدن، بندر یا بخش خدمات استثمار می‌شود، با کارگر آن سوی مرز که در شرایط مشابه قرار دارد، منافع

طبقه‌ای مشترک دارد؛ نه با سرمایه‌داری که صرفاً در همان کشور متولد شده است. این حقیقت در شرایط جنگ و بحران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

بدنبال پیمان دفاعی مکه، بورژوازی اسلامی اعلام کرد که پیمان سه جانبه ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی علیه ایران نیست. اما مسئله، جایگاه مادی این توافق در توازن نیروهای منطقه‌ای و جهانی است. ایجاد یک ترتیبات نظامی جدید، حتی اگر رسماً علیه دولت مشخصی تعریف نشده باشد، می‌تواند با جاه‌طلبی‌های امپریالیستی جمهوری اسلامی، اسرائیل و غیره در تضاد قرار گیرد. همین امر درباره جاه‌طلبی‌های امپریالیستی هند نیز صدق می‌کند. قرار گرفتن این منافع در تضاد با یکدیگر، زمینه تشدید تنش‌های امپریالیستی را فراهم می‌کند و تشدید مداوم این تنش‌ها، بخشی از هرج و مرج و بی‌ثباتی مناسبات امپریالیستی است.

از همین جا ضرورت انترناسیونالیسم پرولتری روشن می‌شود. کارگر عربستانی هیچ منفعت طبقه‌ای مشترکی با دولت سعودی ندارد؛ همان‌طور که کارگر ترک با دولت ترکیه، کارگر پاکستانی با دولت پاکستان و کارگر هندی با دولت هند منافع طبقه‌ای مشترکی ندارند. همین واقعیت درباره کارگران آمریکا، اروپا، چین، روسیه و دیگر کشورها نیز صادق است. پرولتاریا در هیچ کجا نمی‌تواند منافع تاریخی خود را در اتحاد با بورژوازی «خودی» پیدا کند. منافع تاریخی پرولتاریا در اتحاد با کارگران دیگر کشورها و در مبارزه مشترک علیه نظام سرمایه‌داری و همه دولت‌های سرمایه‌داری قرار دارد.

وظیفه کمونیست‌ها در برابر این وضعیت روشن است: دفاع بی‌قید و شرط از انترناسیونالیسم پرولتری و افشای همه دولت‌های امپریالیستی، مستقل از پرچم، مذهب، ایدئولوژی و

ادعاهای آنها. وظیفه کمونیست‌ها توضیح مادی شرایطی است که رقابت‌های امپریالیستی را به وجود می‌آورد و نشان دادن خطرانی است که این رقابت‌ها و هرج و مرج سرمایه‌داری برای بشریت و به ویژه برای طبقه کارگر به همراه دارند.

تا زمانی که مناسبات سرمایه‌داری پابرجاست، بحران و رقابت میان دولت‌ها از میان نخواهد رفت. این رقابت‌ها با تشدید بحران سرمایه‌داری می‌توانند به تنش‌های نظامی و گرایش به جنگ، و در شرایط کنونی به گرایش به جنگ‌های تعمیم‌یافته، منجر شوند. پیمان‌های نظامی و توافق‌های میان دولت‌های امپریالیستی نیز این تضادها را از میان نمی‌برند، بلکه بخشی از رقابت آنها برای تغییر توازن نیروها هستند و می‌توانند به تشدید تنش‌ها و گسترش هرج و مرج منجر شوند.

از همین رو، راه مقابله با جنگ و هرج و مرج سرمایه‌داری، پایان دادن به مناسبات اجتماعی ای است که رقابت امپریالیستی و جنگ را بازتولید می‌کنند. مبارزه علیه جنگ، اگر از مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری که جنگ را تولید می‌کند جدا شود، در نهایت می‌تواند به حمایت از یکی از طرف‌های جنگ امپریالیستی تبدیل شود.

سرمایه‌داری، با تشدید بحران‌ها و تضادهای خود، بشریت را به سوی رقابت‌های امپریالیستی بیشتر، جنگ و گسترش هرج و مرج سوق می‌دهد. آنچه امروز در غرب آسیا مشاهده می‌شود نیز باید در چارچوب همین روند جهانی فهمیده شود: گسترش رقابت‌های امپریالیستی، بازآرایی ائتلاف‌ها و تبدیل هر بحران منطقه‌ای به بخشی از تغییر مداوم توازن نیروها در مقیاسی فراتر از منطقه.

در برابر این روند، تنها گسترش مبارزه مستقل پرولتری و پیوند آن در سطح بین‌المللی می‌تواند در برابر منطق رقابت امپریالیستی قرار گیرد. مسئله برای پرولتاریا انتخاب میان این یا آن دولت، این یا آن پیمان و این یا آن اردوگاه نیست؛ مسئله پایان دادن به نظام اجتماعی ای است که دولت‌های سرمایه‌داری را به ابزار رقابت امپریالیستی و کارگران را به سربازان این رقابت‌ها تبدیل می‌کند. الغای مناسبات سرمایه‌داری و برقراری جامعه‌ای بدون طبقات و استثمار، تنها افقی است که می‌تواند چرخه بحران، جنگ و هرج و مرج سرمایه‌داری را از بنیاد متوقف کند.

یوسف

۲۰ مرداد ۱۴۰۵

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتر سابق):

https://twitter.com/int_voice

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است !

بیانیه مشترک جریانات
کمونیست چپ بین المللی
در رابطه با جنگ در خاورمیانه



- جریان کمونیست بین المللی
- صدای انترناسیونالیستی

بیانیه مشترک جریانات
کمونیست چپ بین المللی
در رابطه با جنگ در اوکراین



- جریان کمونیست بین المللی
- صدای انترناسیونالیستی
- انیستیتو دامن
- چشم انداز کمونیست انترناسیونالیستی

فراقر از جنگ و تفاهم نامه:
سرمایه داری سرچشمه ی جنگ است



صدای انترناسیونالیستی

انتخاب سرنوشت ساز:
نه دموکراسی یا فاشیسم،
بلکه سوسیالیسم یا بربریت



صدای انترناسیونالیستی